

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دمیترو نیفودوف (Dmitry NEFYODOV)

برگردان: ا.م. شیری

۲۴ دسمبر ۲۰۲۴

خط لوله گاز قطر به اروپا عنصر ستراتیژیک تبدیل ترکیه به مرکز

گاز منطقه‌نی



[معهدا، علل و عوامل شکست حیثیتی، سیاسی، نظامی و ژئوپلیتیک ایران و روسیه (نفوذ و فساد)، به ویژه، ایران از سفر علی لاریجانی به دمشق که در مقام رئیس مجلس، نابودی لیبیا را در سال ۲۰۱۱ به «مردم لیبیا» تبریک گفت و سفرهای منطقه‌نی عباس عراقچی، شاگرد وفادار جواد ظریف، نماینده سازمان «سیا» در حاکمیت ایران، در هفته‌ها و روزهای منتهی به سقوط سوریه به وضوح آشکار است.] - شیری
پس از تغییر حکومت در سوریه، پروژه‌های که به نظر فراموش شده بود، دوباره به موضوع بحث رسانه‌ها تبدیل شده است.

پس از سقوط رژیم چندین ساله بشار اسد، پروژه احداث خط لوله انتقال گاز میان ترکیه و قطر از طریق عربستان سعودی، اردن و سوریه که مدت‌ها به حالت تعلیق درآمده بود، در صورت تأمین تمامیت ارضی سوریه و برقراری ثبات، ممکن است دوباره آغاز شود. آلپارسلان بایراقدار، وزیر انرژی و منابع طبیعی ترکیه اخیراً گفته است: «امیدواریم این اتفاق بیفتد». این امر منطقی است که دولت «جدید» سوریه، که ارتباط نزدیکی با انقره دارد، با دقت به نظرات رفقای بزرگ خود گوش فرادهد.

این پروژه که چند هزار کیلومتر طول و تا ۴۰-۴۵ میلیارد متر مکعب در سال ظرفیت دارد، در اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی توسط ترکیه و قطر با مشارکت شرکت‌هایی از ایتالیا، هالند و المان طراحی شد. قرار بود حدود یک چهارم مسیر این پروژه به یک خط لوله گاز موجود از شمال شرق سوریه به جنوب شرق ترکیه و از آنجا با افزایش ظرفیت پایانه‌های توزیع ترکیه به کشورهای جنوب و شرق اروپا، قدرت این «خط لوله» افزایش یابد (۱).

به طور غیررسمی گزارش شد که عدم تمایل «رژیم اسد» به همکاری با پروژه قطری-ترکیه‌ای، مشکل اصلی در اجرای این پروژه بوده است (۲). پس از آن، یک پروژه جایگزین از قطر از طریق عربستان سعودی و عراق به ترکیه و سپس به بالکان پیشنهاد شد. با این حال، طول این خط لوله و هزینه احداث آن تقریباً یک چهارم و نزدیک به یک سوم بیشتر از خط لوله «ترانزیتی سوریه» بود. دولت بغداد ابتداء ترجیح داد از خط لوله گاز میان ایران، عراق و سوریه که امکان صادرات گاز عراق را فراهم می‌کرد، حمایت کند. در این پروژه، احداث کارخانه گاز طبیعی مایع و پایانه صادراتی در سواحل سوریه نیز پیش‌بینی شده بود (با این حال، این پروژه به دلایل آشکار به احتمال زیاد، در کوتاه‌مدت قابل اجرا نبود).

بنیاد تحقیقات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ترکیه خاطر نشان می‌کند: «با سرنگونی بشار اسد، انقره فرصت بازگشت به پروژه قطری را پیدا کرده و ممکن است پروژه خط لوله گاز قطر را در آینده نزدیک از سر گیرد. علاوه بر این، گفته می‌شود که ترکیه با اجرای این پروژه به بزرگترین مرکز گازی برای اروپا تبدیل خواهد شد و گاز قطر با حجم‌های بسیار بالا به بازار اروپا وارد خواهد شد و به دوره وابستگی بروکسل به مسکو در بخش انرژی پایان خواهد داد».

نکته بسیار جالب توجه این است که عربستان سعودی با وجود ذخایر گاز طبیعی در سواحل خلیج فارس در نزدیکی مرزهای بحری با قطر، بحرین و کویت، به طور غیررسمی به عنوان یک کشور «ترانزیتی» به این پروژه جذب شده بود. در این صورت، امکان مشارکت عربستان سعودی با قطر در تأمین مالی این پروژه که هزینه آن در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ بیش از ۲۰ میلیارد دلار برآورد شده بود، وجود داشت. شاید منافع تجاری مشترک می‌تواند به کاهش تناقضات بین خانواده‌های حاکم عربستان سعودی و قطر که بارها و بارها به دعوای متقابل تا قطع روابط دیپلماتیک منجر شده است، کمک کند («بحران دوم قطر» در سال ۲۰۱۷).

در مدت بیش از ده سال، در حالی که در سوریه درگیری‌های نظامی ادامه داشت و به تعادل ناپایداری تبدیل شده بود، قطر بر پروژه گران‌تری نسبت به تأمین گاز از طریق خطوط لوله، یعنی مایع‌سازی گاز برای صادرات تمرکز کرده بود و پروژه قدیمی را تقریباً به دست فراموش سپرده بود. با این حال، اکنون وضعیت آشکارا در حال تغییر است. به طوری که روسلان صفروف، کارشناس دانشگاه مالی وابسته به دولت فدراسیون روسیه، بر این باور است که «نباید پروژه خط لوله گاز از طریق سوریه را به‌طور کامل از نظر دور داشت. حتی مسأله این نیست که قطر دوباره بخواهد صادرات خود را که هم‌اکنون به‌طور موفقیت‌آمیز بر پایه صادرات گاز طبیعی مایع تنظیم شده، متنوع کند. واضح است که برای قطر، بازار آسیا اولویت‌دار است... در اینجا یک میدان بزرگ گازی به نام پارس شمالی-جنوبی وجود دارد که در آب‌های سرزمینی قطر و ایران واقع است (بخش قطری این میدان حاوی بزرگترین ذخایر گاز است). اگر یک

خط لوله از آنجا برای تبدیل شدن ترکیه به پایانه توزیع گاز احداث شود، این کار برای انقره بسیار سودآور خواهد بود. بنابراین، درآمد حاصل از ترانزیت گاز قطر و همچنین حجم بالای هیدروکربن‌ها در ترمینال گازی ترکیه، برای ترکیه که روابط خود را با خاندان آل‌ثانی به‌طور چشمگیری تقویت کرده است، بسیار مفید خواهد بود». در سال ۲۰۱۷، در اوج درگیری دیپلماتیک دوحه با عربستان سعودی، امارات، بحرین و مصر، اعلام شد که برای کنترل پایگاه نظامی ترکیه واقع در خاک قطر که بیش از ۳ هزار سرباز در آن مستقر است، فرماندهی مشترک تشکیل خواهد داد. در قطر، هواپیماهای جنگی اف-۱۶ نیروی هوایی ترکیه به‌طور دائمی مستقر هستند و وزارت دفاع ترکیه در اواخر ماه اگست گذشته اعلام کرد که یک اسکادران هوایی در چارچوب فرماندهی مشترک مذکور تشکیل خواهد داد.

می‌توان با قطعیت گفت که چنین سطح بالایی از هم‌پیوستگی نظامی، به استدلال‌های دولت اردوغان که در تلاش است ترکیه را به یک مرکز کلان منطقه‌ای توزیع گاز تبدیل کند، قدرت بیشتری می‌بخشد. این مرکز بدون قطر و ذخایر عظیم گاز آن، به وضوح ناقص به نظر می‌رسید. در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۴، انقره سعی کرد روابط دیپلماتیک خود را با همسایگان قطر، یعنی امارات متحده عربی و عربستان سعودی که بدون توافق آن‌ها اجرای این پروژه به هیچ‌وجه امکان‌پذیر نیست، بهبود بخشد. امضای بیانیه مشترک در پایان ماه مارچ در انقره درباره آغاز مذاکرات برای امضای توافقنامه تجارت آزاد بین ترکیه و شورای همکاری کشورهای عربی خلیج فارس نیز به پیشبرد این پروژه به طور غیرمستقیم، اگر نگوئیم به طور مستقیم، کمک می‌کند. جاسم محمد البودیوی، دبیرکل شورای همکاری کشورهای عربی خلیج فارس، خاطر نشان کرد که مذاکرات در خصوص توافق تجارت آزاد «گواه همکاری ستراتیژیک مستحکم پادشاهی‌های عربی با ترکیه است و تجارت آزاد فرصت‌های جدیدی در روابط ما ایجاد می‌کند». از سوی دیگر، عمر بولات، رئیس اداره بازرگانی ترکیه، با اشاره به جریان سرمایه‌گذاری‌ها به لطف این توافق گفت: «این توافق تجاری کالاها و خدمات را آزاد می‌کند و سرمایه‌گذاری‌ها از منطقه خلیج فارس به کشور ما را به سطح بسیار بالاتری ارتقاء می‌دهد». بعید نیست که این موضوع به نوعی شامل سرمایه‌گذاری‌ها در خط لوله گاز قطر به اروپا نیز بشود.

تصمیم برای مذاکره پیرامون تجارت آزاد در سفر اردوغان به کشورهای عربستان سعودی، قطر، امارات و عمان در سال ۲۰۲۳ مورد توافق قرار گرفت. امضای این قرارداد حداکثر تا سه ماهه اول سال ۲۰۲۵ برنامهریزی شده است. همانطور که نشریه تخصصی باکو آنلاین «Vzglyad» (نگاه، نگرش) اشاره می‌نویسد، «ترکیه پیش از این سه تأمین‌کننده گاز شامل آذربایجان، مصر (گاز طبیعی مایع) و ایران را به بازار اروپا آورده است. در آینده نیز خدمات مشابهی در قزاقستان، ترکمنستان، عراق و قطر ارائه خواهد شد. به ویژه این که، کشورهای حوزه خلیج فارس و آسیای مرکزی برای ورود به بازار اروپا علاقه‌مند هستند و آماده‌اند در تأمین مالی ساخت و ساز خطوط لوله گاز و نفت و همچنین پایانه‌های گاز طبیعی مایع مشارکت نمایند». می‌توان فرض کرد که احیای پروژه «خط لوله گاز قطر» که برای تقویت وابستگی اروپا به ترانزیت «ترکیه» طراحی شده است، موقعیت انقره در مذاکره با مسکو در مورد عملکرد «هاب گاز» روسیه-ترکیه را که بحث‌ها پیرامون آن از چند سال پیش ادامه دارد، تقویت خواهد کرد (با این حال، مشکلات کمافی‌السابق زیاد است). پس از قطع ترانزیت گاز از طریق سرزمین‌های سابق شوروی، تنها «جریان ترکیه‌ای»، یکی از دو «رشته» خط لوله که از طریق بحیره سیاه کشیده شده، به عنوان مسیر صادرات گاز روسیه به اروپا باقی خواهد ماند. برنامه ساخت خط لوله گاز از قطر به اروپای شرقی، که پس از وقایع سوریه دوباره به موضوع داغ تبدیل شده، آشکارا با پروژه‌های گازی روسیه و ایران رقابت می‌کند و می‌تواند به تحولات ژئوپلیتیک خاصی منجر شود. بنا به گفته آرا مرجانیان، کارشناس ملی انرژی در برنامه توسعه سازمان ملل متحد در ارمنستان،

باید امیدوار بود که تناقضات و تعارضات منافع که به طور اجتناب‌ناپذیر پیش می‌آید، حداقل به روشی نسبتاً متمدنانه با استفاده از سازوکارهای موجود در تعامل سه‌جانبه مانند «قالب آستانه» حل و فصل شود.

یادآوری‌ها:

(۱) - سهم روسیه از صدور گاز از طریق خط لوله و گاز طبیعی مایع به اتحادیه اروپا در حال حاضر کمتر از ۱۵ درصد، اما سهم گاز قطر با وجود ذخایر عظیم این کشور در واردات اروپا تنها ۵ درصد است (بر اساس داده‌های مجله نفت و گاز در ۱ جنوری ۲۰۱۱، ذخایر گاز قطر حدود ۲۵.۴ تریلیون متر مکعب برآورد می‌شد که ۱۴ درصد از ذخایر شناخته‌شده جهانی گاز را تشکیل می‌دهد و در رتبه سوم جهانی قرار دارد). اهمیت انتقال گاز از طریق خطوط لوله به تناسب افزایش علاقه به ذخایر عظیم گاز طبیعی استفاده‌نشده قطر در خلیج فارس افزایش می‌یابد.

(۲) - علاوه بر این، در سال ۲۰۰۹، سوریه از «ستراتژی چهار دریا»ی خود که هدف آن تبدیل این کشور به یک مرکز ترانزیت جریان‌های گازی بین خلیج فارس، بحیره سیاه، قفقاز و بحیره مدیترانه بود و استفاده از عبور خطوط لوله گاز و نفت به طول ۶۳۰۰ کیلومتر از سوریه و همچنین، احداث خط لوله گاز عربی را پیش‌بینی می‌کرد، خبر داد. این خط لوله که ساخت آن از سال ۲۰۰۳ آغاز شده بود، قرار بود مصر را به ترکیه و سپس به اروپا متصل کند. اما، درگیری‌های مسلحانه که در سال ۲۰۱۱ آغاز شد، مانع از تکمیل آن شد.

منبع: بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

۳ دی- جدی ۱۴۰۳